

دیگر هیچ عذری به مسلمان و غیرمسلمان وجود ندارد؛ اکنون حمله صلیبی تحت عنوان صهیونیستی جریان دارد!

(ترجمه)

خبر جرائمی که در حق بی‌گناهان در غزه و کرانه باختری در سرزمین مبارک فلسطین، مهد نزول رسالت‌های آسمانی، انجام می‌شود، بگوش همگان رسیده است. هیچ کسی نیست که از بمباردمان خانه‌ها و وارونه ساختن آن‌ها بر سر بی‌گناهان توسط یهود خبر نداشته باشد؛ از شکار شهروندان غیر مسلح و کشتن‌شان در نعل جادها در وسط روز، جنایتی که هر شریعت ربانی آن را رد نموده و هیچ اخلاقی انسانی آن را نمی‌پذیرد. اخبار این جنایات در جهان هشت میلیاردی پخش و نشر گردیده تا جایی که انکار و یا نادیده گرفتن آن‌ها دیگر ممکن نیست و هیچ عذری مبنی بر بی‌خبری از آن، از هر کسی که خود را به امت اسلامی نسبت می‌دهد و یا نسبت نمی‌دهد، پذیرفتنی نیست.

هم‌چنان این مسئله به هیچ کس پوشیده نیست که قتل عام یهود به تشویق و تأیید دولت‌های بزرگ غربی در رأس آنان سرکرده شرارت امریکا انجام می‌شود. همگان شاهد اند که این دولت‌های غربی از دولت یهود بی‌دین با تمام قوای نظامی، اقتصادی و رسانه‌ای خود حمایت می‌کنند و طبعاً بر جهانیان از جمله امت اسلامی این هم پوشیده نیست که نظام‌ها و حکام سرزمین‌های اسلامی جز ابزارها، و مزدوران قوای غربی، هم‌پیمانان دولت یهود چیزی بیش نبوده؛ مگر این که بر علاوه آنان در نسبت به مسلمانان در فلسطین و یا هر جای دیگری کینه و دشمنی در سینه دارند، دشمنی آنان کمتر از دشمنی یهود نسبت مسلمانان نیست. این نظام‌ها و حکام نیز از زمره یهود بوده و اکثرشان صهیونیست‌هایی از جمله صهیونیستان بادارشان بایدن اند.

بنا براین، بسیار دقیق است که ما جنگی را که علیه امت در سرزمین مبارک فلسطین راه‌اندازی شده، حمله جدید صلیبی علیه امت عنوان نماییم. این بار نیز ساحات این جنگ سرزمین مبارک فلسطین است و دولت یهود جز ابزار پلید بیش نیست که در نیابت از تمدن غربی صلیبی نظام سرمایه‌داری جهان، به اعمال پلید، از آن کار گرفته می‌شود.

سخن از فلسطین و اهل آن مانند سخن از بقیه سرزمین‌ها و اهل آن نیست؛ با آن که تمام سرزمین‌ها سرزمین الله سبحانه و تعالی بوده و تمام مخلوقات مخلوقات الله سبحانه و تعالی می‌باشد. الله سبحانه و تعالی به این سرزمین فضیلتی داده است که به سرزمین‌های غیر از آن نداده است. در شأن این سرزمین آیات بیّنات فرورستاده شده که تا فرارسیدن قیامت تلاوت می‌گردد؛ چنان چه الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾

[اسراء: 1]

ترجمه: تسبیح و تقدیس الله را سزا است که بنده‌ای خود (محمد پسر عبدالله) را در شبی از مسجد الحرام (مکه) به مسجد الاقصی (بیت المقدس) برد، آن‌جا که دور و برآن را پربرکت ساخته ایم، تا برخی از نشانه‌های (عظمت و قدرت) خود را بدو بنمایانیم.

الله سبحانه و تعالی در خصوص خلیلش، ابراهیم علیه الصلوة و السلام چنین می‌فرماید:

﴿وَوَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ﴾ [انبیاء: 71]

ترجمه: و او لوط را (از مکر و کید کافران) رهایی بخشیدیم و به سرزمینی بردیم که در آن برای جهانیان برکت نهاده ایم.

﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُورَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّاماً آمِنِينَ﴾ [سبأ: 18]

ترجمه: میان آن‌ها و آبادی‌هایی که در آن برکت نهاده بودیم، آبادی‌های به هم پیوسته‌ای قرار دادیم و در میان‌شان رفت و آمد برقرار کردیم، شب و روز با امنیت کامل در آن به سیر و سفر بپردازید.

با آن که تقوی معیار برتریت در میان انسان‌هاست، خالق سبحانه و تعالی اهل شام را به فضیلت و خیر خاص نموده است، چنان‌چه رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد ساکنین شام چنین وصیت نمودند:

«عَلَيْكَ بِالشَّامِ فَإِنَّهَا خَيْرَةٌ لِلَّهِ مِنْ أَرْضِهِ يَجْتَبِي إِلَيْهَا خَيْرَتَهُ مِنْ عِبَادِهِ» (رواه أبو داود وأحمد)

ترجمه: شام را دریابید که این سرزمین از بهترین سرزمین‌های الله بوده و بهترین بندگانش را برای آن برگزیده است.

«عَلَيْكَ بِالشَّامِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ تَكَفَّلَ لِي بِالشَّامِ وَأَهْلِهِ»

ترجمه: شام را دریابید چون الله عزوجل شام و اهل آن را کفیل من قرار داده است.

وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَوَّلُ هَذَا الْأَمْرِ نُبُوءَةٌ وَرَحْمَةٌ، ثُمَّ يَكُونُ خِلَافَةٌ وَرَحْمَةٌ، ثُمَّ يَكُونُ مُلْكًا وَرَحْمَةٌ، ثُمَّ يَكُونُ إِمَارَةً وَرَحْمَةٌ، ثُمَّ يَتَكَادَمُونَ عَلَيْهِ تَكَادَمَ الْحُمْرِ فَعَلَيْكُمْ بِالْجِهَادِ، وَإِنَّ أَفْضَلَ جِهَادِكُمُ الرِّبَاطُ، وَإِنَّ أَفْضَلَ رِبَاطِكُمْ عَسْقَلَانُ» (رواه الطبراني)

ترجمه: این مسئله (نظم حاکم) در ابتداء نبوت است و رحمت است، سپس خلافت است و رحمت است، سپس سلطنت است و رحمت است، سپس امارت است و رحمت است، سپس همه بر این مسئله گرد آمده، بسان جمعی از خران، ستیزکنندگان یکدیگر را گاز می‌گیرند، پس در آن صورت بر شما جهاد لازم است؛ این درحالی است که بهترین جهاد شما رباط است و بهترین رباط شما عسقلان است.

عسقلان شهری از شهرهای فلسطین می‌باشد که در فاصله 20 کیلومتری غزه قرار دارد.

ریختاندن ناحق خون بی‌گناهان در شریعت الله سبحانه و تعالی جنایت است و چطور جنایتی؟! در واقع در برابر این شریعت -در برابر ناسخ و منسوخ آن- هرگز کسی تمرّد نخواهد کرد، مگر مجرمانی که به شریعت‌های فرورفتاده شده از جانب الله سبحانه و تعالی کفر ورزیده، آن‌ها را تحریف، به آن‌ها افتراء بسته و آیات دروغین ساخته‌اند. کسانی که خواستند به جای الله سبحانه تعالی شریعت بسازند، با مبدأها و ایدیولوژی‌های بشری ساخته عقل ملحدین دیگرباش، آمده و خون‌هایی را که الله سبحانه و تعالی به عصمت آنان حکم فرموده مباح قرار داده‌اند. بلی، الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا

النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَكُفْرُونَ﴾ [مائده: 32]

ترجمه: از این رو برای بنی اسرائیل چنین مقرر کردیم که هرکس، انسانی را جز به قصاص یا به کیفر فساد در زمین بکشد، گویا همه‌ای مردم را کشته است و هرکس سبب زنده ماندن کسی گردد، گویا همه‌ای مردم را نجات داده است، فرستادگان ما با نشانه‌های آشکار نزدشان رفتند، اما پس از آن هم بسیاری از آنان در زمین زیاده روی و از حد گذری نمودند.

رسول الله صلى الله عليه وسلم چنین می‌فرماید:

«لَا يَحِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا بِإِحْدَى ثَلَاثٍ؛ رَجُلٌ كَفَرَ بَعْدَ إِسْلَامِهِ، أَوْ زَنَى بَعْدَ إِحْصَانِهِ، أَوْ قَتَلَ نَفْسًا بَغَيْرِ نَفْسٍ»

ترجمه: ریختن خون شخص مسلمان در هیچ وجه حلال نیست؛ مگر در این سه حالت: مردی که بعد از اسلام آوردن کافر شود، مردی که با وجود همسر داشتن زنا کند و مردی که کسی را به ناحق به قتل رسانده باشد.

بلکه حرمت خون مسلمان در نزد الله سبحانه و تعالی از حرمت کعبه و تمام دنیا بزرگتر می‌باشد؛ چنانچه رسول الله صلى الله عليه وسلم چنین می‌فرماید:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَتُلُ مُؤْمِنٌ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ زَوَالِ الدُّنْيَا»

ترجمه: قسم به کسی که نفس‌ام در ید اوست، جنایت کشتن یک مؤمن در نزد الله بزرگتر از زوال دنیا می‌باشد.

و عن ابن عمر قال: «رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَطُوفُ بِالْكَعْبَةِ وَيَقُولُ: مَا أَطْيَبُكَ وَأَطْيَبَ رِيحَكَ! مَا أَعْظَمَكَ وَأَعْظَمَ حُرْمَتَكَ! وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لِحُرْمَةِ الْمُؤْمِنِ أَعْظَمُ عِنْدَ اللَّهِ حُرْمَةً مِنْكَ؛ مَالَهُ وَدَمَهُ وَأَنْ نَظْنَ بِهِ إِلَّا خَيْرًا» (ابن ماجه)

ترجمه: ابن عمر می‌گوید من رسول الله صلى الله عليه وسلم را دیدم که در اطراف کعبه طواف می‌نمود و خطاب به کعبه می‌گفت و چه خوب هستی و چه خوش است بوی تو! چه قدر بزرگ هستی و چه قدرت بزرگ است حرمت تو! قسم به کسی که نفسم در دست اوست، حرمت یک مؤمن در نزد الله بزرگتر از حرمت تو می‌باشد؛ مال مومن، خون مومن و این که جز گمان خیر به مومن گمان دیگری نباید داشت.

از این قبیل نصوص شرعی و غیر آن، نصوص بسیاری وجود دارد که بیان می‌دارد، جنایاتی که در سرزمین مبارک فلسطین در حال جریان است جرائم بزرگ با عاقبت بسیار وخیم می‌باشند:

«وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» [نساء: 93]

ترجمه: و هرکس مؤمنی را به عمد بکشد، جزایش دوزخ است و جاودانه در آن خواهد ماند و الله بر او خشم گرفته و او را از رحمتش دور نموده و عذاب بزرگی برایش آماده ساخته است.

همان‌گونه که یهود به علت این جنایات‌اش مستحق عذاب الله سبحانه و تعالی می‌باشد، همراه با یهود نظام‌های غربی و حکام سرزمین‌های عربی و اسلامی، از جمله دوست‌داران و حامیان‌شان، نیز مستحق عذاب الله سبحانه و تعالی می‌باشند؛ همان‌گونه که هیچ مسلمانی رضایت الله سبحانه و تعالی را کسب نخواهد کرد؛ اگر در برابر کدام منکری سکوت کند. رسول الله صلى الله عليه وسلم چنین می‌فرماید:

«لَمَّا وَقَعَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ فِي الْمَعَاصِي نَهْتَهُمْ عَلِمَاؤُهُمْ فَلَمْ يَنْتَهُوا، فَجَالَسُوهُمْ فِي مَجَالِسِهِمْ، وَوَاكَلُوهُمْ، وَشَارَبُوهُمْ، فَضَرَبَ اللَّهُ قُلُوبَ بَعْضِهِمْ بِبَعْضٍ، وَلَعَنَهُمْ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ، ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ، كَلَّا، وَاللَّهِ لَنَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ، وَلَنَنْهَوَنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَلَنَأْخُذَنَّ عَلَى يَدِ الظَّالِمِ، وَلَنَأْتِطِرُنَّهُ عَلَى الْحَقِّ أَطْرًا، وَلَنَقْصُرُنَّهُ عَلَى الْحَقِّ قَصْرًا، أَوْ لَيَضْرِبَنَّ اللَّهُ بِقُلُوبِ بَعْضِكُمْ عَلَى بَعْضٍ، ثُمَّ لِيَلْعَنَنَّكُمْ كَمَا لَعَنَهُمْ» (رواه أبو داود والترمذی)

ترجمه: آن‌گاه که بنی اسرائیل در معصیت‌ها فرورفتند، علمای‌شان آنان را نهی نمودند، اما آنان خویشتن را از معصیت باز نداشتند، سپس علمای‌شان هم با آنان همنشین گردیده با آنان خوردند و نوشیدند. چنین شد که الله قلب‌های برخی را با برخی دیگر در تمایل به معصیت یکی قرار داد، و آنان را با زبان داود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار داد؛ چون آنان نافرمانی نموده و از حد‌گذری نمودند. هرگز، هرگز؛ قسم به الله یا به معروف امر کرده و از منکر نهی می‌کنید، یا دست‌ظالم را گرفته و آن را به حق مایل و بر حق نگه‌می‌دارید، یا این‌که الله قلب‌های برخی از شما را با قلب‌های برخی دیگر در تمایل به معصیت یکی قرار داده و شما را مانند آنان مورد لعنت قرار می‌دهد.

بلی امت‌ملیاردی با ارتش‌های مهیب‌اش، قدرت بیشتر از گرفتن دست یهود (مغضوب علیهم) دارد؛ چون یهودیان و گذشتگان‌شان از نیروهای صلیبی، در مواجهه با مردان امت در میدان‌های جنگ، در محافل و مناظر فکر و معرفت، بزدلی، خواری و ذلت‌شان را ثابت نموده‌اند. بلی، برای کسی که از انجام مکلفیت و جوب نصرت دادن مستضعفین سرزمین مبارک شانه خالی کند و لوکه سربازهم نیست، هیچ عذری باقی نمانده است:

﴿كُلُّ رَجُلٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى ثَغْرَةٍ مِنْ ثَغْرِ الْإِسْلَامِ، اللَّهُ اللَّهُ لَا يُؤْتِي الْإِسْلَامَ مِنْ قَبْلِكَ﴾

ترجمه: هر مردی از مسلمانان بر روزه‌ای از روزه‌های اسلام قرار دارد، پس حتماً مواظب باش که از سمت (روزنه‌ای که تو بر آن قرار داری) صدمه‌ای به اسلام نرسد.

عالم و متعلم، طبیب و کارگر نظافت و تمام مردم، مکلفیت‌شان اینست که ارتش‌ها را برای ادای مکلفیت واجب‌ی آشکارشان فراخوانند؛ از جمله مسلمات است که آزادی فلسطین جز با نیروهای مسلمانان ممکن نیست. به همین دلیل است که سرنگونی حکام دوست و حامی یهود، واجب است، سرنگونی حکامی که امت را از نصرت دادن برادران‌شان مانع می‌شوند. به همین دلیل است که ارتش‌ها به سوی چیزی بشتابند که خود را برای آن آماده ساخته بودند؛ برای قتال در راه الله سبحانه و تعالی زیر پرچم خلافت راشده بر منهج نبوت.

همان‌گونه که جلوگیری یهود بر مسلمانان واجب است، همان‌طور بر غیرمسلمانان مشرق و مغرب نیز لازم است که جنایات یهود را تقبیح نموده و از دولت‌هایی که در برابر قتل عام ساکت بوده و در واقع خود شریک سرکوب ستمکاران اند، بی‌زاری بجویند. دولت‌های غربی که از این دولت بی‌دین حمایت می‌کنند، این حمایت‌شان برای اینست که از این دولت برای مصلحت خود که متمثل فساد در بین فرزندان امت اسلامی است، کاری گیرند. برای اینست که با اطمینان بیشتر مانع وحدت مسلمانان زیرچتر نظام ربانی خلافت بر منهج نبوت شوند؛ نظامی که مسلمانان و غیرمسلمانان در خدمت اوامر الله سبحانه و تعالی و شریعت کریم و جوان‌مرد او سبحانه و تعالی می‌گمارد. لیکن ابرسفيد برای مردم نمایان گشته و حقیقت پشت مسکن دادن یهود در سرزمینی که مسکن‌گزینی آنان از زمان حضرت موسی علیه الصلوة والسلام در این سرزمین حرام قرار گرفت، آشکار شد. آن‌ها سرزمین را اشغال نمودند که هرگز در آن حقی نداشتند؛ حتی مسئله به جای کشیده که مورد لعنت تمام باشندگان زمین قرار گرفته اند.

تا زمانی که جهانیان با سکوت رهبران ظالم‌شان همراهی نموده و به نمایندگی و رهبری این رهبران هم‌چنان راضی باشند، آن‌ها نیز شهدای زور و شریک‌های این جنایات اند. بدانید و آگاه باشید که امت اسلامی کسی را که باعث آزار و اذیت آن شده و کسی را که در برابرش انصاف نموده هرگز فراموش نخواهد کرد.

﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ

قَسِيسِينَ وَرَهَبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾ [مائده: 82]

ترجمه: به طور قطعی سرسخت‌ترین مردم را در دشمنی با مؤمنان، یهود و مشرکان می‌یابی و نزدیک‌ترین شان را در دوستی با مؤمنان کسانی می‌یابی که می‌گویند: ما نصرانی هستیم. این بدان سبب است که برخی از ایشان کشیش و عبادت گزارند و بدان سبب که آنان تکبر و سرکشی نمی‌کنند.

برگرفته شده از شماره 473 جریده الرایه

نویسنده: بلال المهاجر

مترجم: محمد علی مطمئن